

## پیامد رد صلاحیت هاشمی و مشایی!

علی کشتگر

ویژه خبرنامه گویا

چهارشنبه 1 خرداد 1392

معنای رد صلاحیت هاشمی رفسنجانی و رحیم مشایی آن است که ظرفیت و اعتماد به نفس رژیم به صفر رسیده و خامنه ای از انزوای بی سابقه خود در ایران آگاه است. به همین دلیل او جرات آن را در خود ندید که کاندیدای مطلوبش را به میدان رقابت با این دو نامزد زاویه دار با منویات خویش بفرستد. اگر خامنه ای کوچکترین بختی برای پیروزی کاندیدای خود در رقابت با این دو نامزد رد صلاحیت شده می دید، بی تردید هزینه سنگین رد صلاحیت آنان را تقبل نمی کرد.

رد صلاحیت هاشمی ادامه منطقی کودتای انتخاباتی خرداد ۸۸ و سرکوب جنبش سبز است. این اقدام ضربداری است که خامنه ای برای پیشبرد مقاصد انتحاری خود بر کل کارنامه جمهوری اسلامی می کشد!

اگر او در انتخابات ۸۸ برای پیروز گرداندن محمود احمدی نژاد در برابر چشم میلیونها ایرانی به سرقت مسلحانه آرای مردم دست زد، این بار با توجه به تجربه ۴ سال پیش کار اصلی مهندسی انتخابات را در شورای ۱۲ نفره نگهبان که همگی دست نشانندگان خود وی هستند تمام کرد تا فردای انتخابات با اعتراضات رای دهندگان دست به گریبان نشود. آنان که از سخنان نرورزی خامنه ای درباره ضرورت "مشارکت همه سلیقه ها" برای خلق حماسه سیاسی به شوق آمدند و مژدگانی دادند که رهبر "عابد و مسلمان" این بار بر آن است که انتخابات رقابتی و بدون مهندسی میان سلیقه های متفاوت وفادار به نظام برقرار کند، در رمزگشایی از سخنان خامنه ای مردود شدند. مقصود "رهبر معظم" از مشارکت همه سلیقه های مختلف در انتخابات سلیقه های منتقد و زاویه دار با منویات و سیاستهای "رهبر" نبود. با رد صلاحیت هاشمی، انتخابات به نمایش تبدیل رای دهندگان به گله های بی شکل و اراده ای که برای بیعت مجدد با "رهبر مسلمین جهان" به پای صندوق ها آورده می شوند، تنزل می یابد.

هانآرنت در اثر برجسته اش "منشاء توتالیتراریسم" می نویسد نگرش تمامیت گرا واژه ها را از معنای خود تهی می کند، چنان که در بسیاری موارد معنای واژگان وارونه می شوند. سخنان نرورزی خامنه ای در باره شرکت همه سلیقه ها در انتخابات و خلق حماسه سیاسی دقیقاً مصداق همین حکم است.

این شیوه برگزاری انتخابات آنهم در کشوری که یکصد و پانزده سال پیش پرچمدار نهضت مشروطیت در خاورمیانه و آسیا بوده و نهادینه کردن حق رای از آرزوهای دیرینه آن است اهانت بزرگی است.

اهانت به شعور و به غرور و به آرزوهای مردم. افسوس که دیکتاتورها چنان مست قدرت و توهمات جنون خود می شوند که تا لحظه ای که جهنم جنگ و خشونت آنان را در کام خود فرو نکشد از کاخ پوشالی توهم و نخوت بیرون نمی آیند.

هیچ کس در ایران نیست که نداند رد صلاحیت هاشمی و مشایی به دستور مستقیم شخص خامنه ای در شورای نگهبانی به تصویب رسیده است. خامنه ای دشمن نهادهای انتخابی و دشمن شماره یک رای مردم است. او به قول خود یک رای دارد، اما رای ۵۰ میلیون ایرانی مادام که به یک جنبش عظیم اجتماعی متکی نباشند در برابر رای خامنه ای صفر است. چرا که در اسلام حکومتی رای ولی فقیه اراده باریتعالی است و رای مردم فقط زمانی ارزش دارد که تابع رای مقام ولایت و تزئین کننده آن باشد. از نظر خامنه ای ۲۴ خرداد ۹۲ روز بیعت مجدد با "امیرالمومنین" معاصر است.

رد هاشمی رفسنجانی موجب ریزش گسترده نیروهای میانه روی بدنه جمهوری اسلامی و روی گردانی لایه های متوسط جامعه، قشر بازاری و مدیران و کارفرمایان از حاکمیت خواهد شد. آنها و انبوه اصلاح طلبان و بخش بزرگی از مراجع و روحانیون شیعه نیز امید خود را به اصلاح جمهوری اسلامی از دست می دهند. این اقدام جمهوری اسلامی را از درون و بیرون فرسوده تر و خامنه ای را بیش از پیش منفورتر و منزوی تر می کند. برخلاف تصور خامنه ای رژیم از انتخابات قلبی خرداد ۹۲ بحرانی تر و ضعیف تر از کار درخواهد آمد. از این پس دیگر کمتر کسی به صدای اصلاح طلبان و سکولارهای محافظه کار طرفدار اصلاحات که توهم اصلاح نظام دینی را تبلیغ می کردند گوش فراخواهد داد. از این پس فعالان جنبش دموکراسی بیش از پیش به تقویت جامعه مدنی و فکر سازماندهی نافرمانی و اعتراضات مدنی روی آور می شوند. بسیاری به این نتیجه می رسند که در برابر دیکتاتوری و ظلم بی پایان حکومت خامنه ای، شورش، طغیان و قیام ملی پاسخهایی شایسته اند.

خامنه ای با حذف هاشمی گرایش تنش زدایی در سیاست جمهوری اسلامی را منکوب می کند. و بر طبل تنش و رویارویی می کوبد.

خامنه ای فقط یک دیکتاتور سرکوبگر که آزادی مردم را گرفته و همدستان نظامی و روحانی او ثروت های ایران را غارت می کنند و فرصت های ایران را به باد می دهند نیست. خامنه ای فقط یک خود کامه محصور در میان نظامیان و روحانیون غرق در فساد که اقتصاد ایران را به سوی ورشکستگی می کشاند نیست. خامنه ای علاوه بر همه اینها یک فقیه متوهم است که خود را رهبر جهادگران مسلمان علیه آمریکا و اسرائیل و دولت های متحد و همسوی آنان در منطقه می داند. او با اقدامات ماجراجویانه و متوهمانه خود ایران را گام به گام به سوی پرتگاه خشونت و جنگی می کشاند که اگر آغاز شود معلوم نیست سرنوشت ایران و تمامیت آن چه خواهد شد. زمان آن فرا رسیده که همه مخالفان سیاستهای خطرناک خامنه ای در برابر او همراه و متحد شوند. و برای نجات کشو برکناری دستگاه ولایت فقیه و برگزاری انتخابات آزاد را هدف قرار دهند.

**علی کشتگر**

[Ali.keshtgar@yahoo.fr](mailto:Ali.keshtgar@yahoo.fr)

+++++

برچیده تبرستان از خبرنامه گویا 2013-5-22

<http://news.gooya.com/politics/archives/2013/05/160446.php>